

چه چیزی آقای نوید اخگر را این چنین برآشفته کرده است بشکنی ای قلم ای دست اگر پیچی از خدمت محرومان سر

ابتدا عین گفته ایشان را نقل می کنیم تا خوانندگان خود قضاوت کنند که چه کسانی بسبک مجاهدین بریده از خلق به دیگران اتهام می زنند و لجن پراکنی می کنند .
آقای نوید اخگر از منظر استادان ادب ، گفتار مرا در حالی چارواداری می داند که در مقاله پاسخی اخیراش چنین اظهار فضل می نماید :

" نماینده این گروه با نامی مجهول در اعلامیه که در تاریخ ... با حمله و هجوم های پاسداری و خارج از هر نوع منش سیاسی و مبارزاتی و با غیض و غضبی ملاگونه تهدید به قتل من را که از طرف رژیم صورت گرفته است ... و طرح این ترور را از طرف من برای بالا بردن قیمت در نزد امپریالیست ها دانسته است و نه حضور ترور گسترده آخوند یونسی "

در آغاز توضیح یک مطلب مهم ضروریست و آن اینکه بحث ما با امثال آقای نوید اخگر بحثی شخصی نیست ، بلکه در واقع بحث ما با نظر و بینشی است که در صدد است :
" با حرارت مطلوب بمب های 9 تنی و غنی شده په اورانیوم ، با قتل عام صدها هزار تن- با کشته بیش از 100 هزار تن کودک که دیگر نمی توان آنها را به تروریست بودن متهم کرد- با نابودی تاسیسات اقتصادی ، تجاری و مسکونی و با فرستادن کشور ایران به عصردقیانوس ، می خواهد هیولای خون آشام انحصارات غارتگر امپریالیستی را از تخم مرغ ضدبشتری که یکی از تضاد های اساسی دوران ماست ، بیرون آورد و آنرا برسر نوشت نه تنها کشور ایران بلکه بر سرنوشت مردم خاورمیانه و بطریق اولی بر سرنوشت میلیارد ها مردم جهان مستقر گردانند . "
در حالی که جوهر کلام این بینش بغایت ارتجاعی و ضد انسانی را آقای نیابتی با صداقت در یک پاراگراف خلاصه کرد و آن اینکه :

" تسلیح دوباره ارتش آزاییخش ملی و حرکت آن به قصد سرنگون کردن رژیم و صد البته با پوشش هوایی تعیین کننده آمریکایی ها ! بی تعارف و شوخی

این همان چیزی است که مجاهدین قویاً بر روی آن حساب باز کرده اند "

آقای نوید اخگر عنوان کردن دفاع شما از غدارترین نمایندگان امپریالیستی جهت افزایش بهای خود، امری نیست که آنرا من طرح کرده باشم ، بلکه خود انحصارات غارتگر امپریالیستی جهت روی کار آوردن رژیم کاملاً سر براه دست نشانده و مطلوب ، با اختصاص بودجه چند ده میلیون دلاری رسماً به تصویب رسانده است و دربدر بدنبال امثال شما سینه چاکان " دمکراسی " آمریکائی می گردند که با قلم و زبان خویش آنرا (دمکراسی آمریکایی) چون احمد چلبی با برگزاری " کنگره های ملی " که اخیراً مجاهدین به دامن امپریالیسم خزیده بدان دست زدند ، به ایران منتقل کنند .

آقای نوید اخگر ، بی جهت خود را با عنوان تهدید از طرف رژیم گنده نکنید . اگر واقعاً تهدیدی علیه شما باشد ، اتفاقاً از طرف همان جریان بدامن امپریالیسم آمریکا خزیده می تواند وجود داشته باشد . همانطوریکه این تهدید ها طبق گفته ها و نوشته های شما بارها علیه شما بکار رفته است . فقط این بار فرق اش با دیگر دفعات در این است که خواستند حواستان را خوب جمع کنید و به مریم منتخب امام غایب چون گذشته اهانتی وارد نکنید و بالای سخن ایشان ، سخن گزاف نگویند .

رژیم جمهوری اسلامی ایران احتیاج به تهدید کردن امثال شما ندارد ، همانطوریکه در ایران بر دریایی از جاری کردن خون دهها هزار تن از انقلابیون و آزیخواهان حکومت خویش را مستقر کرده است ، همانطوریکه صدها نفر را در خارج ترور کرد و آنها را انکار نمود و می کند ، اگر ضرورت بداند بدین عمل جنایتکارانه اقدام خواهد نمود و نیازی به تهدید ندارد . این تهدید ها از طرف پناه بردگان به دامن امپریالیسم صورت می گیرد . همانطوریکه روزانه دهها ایمیل تهدید آمیز به سایت نیروهای انقلابی روانه می گردد . شما اشتباه نکنید و تهدید علیه جان خود را جدی تلقی نکنید . چرا که " مجاهدین " از علاقه وافر شما به آمریکا ، باخبرند و می خواهند با این ارعابها ، جناب عالی چرب تر از آنها دفاع کنید و کلامی از مریم و مسعود و سازمان در مخالفت نگویند .

نکته دیگری در همین بخش که آقای اخگر مطرح می کند " جان من بارها توسط عوامل رژیم بمرگ تهدید شده است" ، باید در پاسخ به ایشان توضیح داد اولاً ؛ مبارزه طبقاتی مجلس ضیافت و مهمانی نیست ، واقعیت پذیرش : زندان ، شکنجه ، ترور و انواع تضعیقات و فشارها علیه انقلابیون از طرف مرتجعین اولین شرط قدم گذاشتن به عرصه مبارزه طبقاتی است . امری که آقای اخگر بعلت عدم درک خویش از مکانیسم این مبارزه ، بمنظور مطرح کردن خویش دائماً از " تهدید جان " خویش دم می زند و ما را توجیه گر ترور رژیم معرفی می کند .

ثانیاً ؛ مگر جوخه های ترور آدم کشان رژیم که صدها نفر را در خارج ناجوانمردانه کشتار کرد ، ابتدا با تهدید همراه بود ؟ در حالی که ما شاهد بودیم تمامی ترورهای وحشیانه خویش که نمونه ای از آن در دادگاه میکنونوس آلمان با صدها دلیل و مدرک باثبات رسیده بود را انکار نمود و انکار می نماید . مگر فاشیسم هیتلری قتل عام بیش از 30 میلیون نیروی های کمونیست ، آزادیخواه و زحمتکشان را ابتدا با تهدید انجام داد ؟ خیر تمام این جنایات ثبت شده در تاریخ در توجیه نجات بشریت از " چنگال دیکتاتوری سوسیالیسم " انجام پذیرفت .

چرا راه دور رویم ، مگر ترور بیش از 150 هزار تن از انسان های پر امید توسط امپریالیسم متجاوز آمریکا تحت نام " دفاع از حقوق بشر " ، " آزادی و دموکراسی " انجام نگرفت و یا انجام نمی گیرد ؟

رژیم برای ترور هر کس که ضروری بداند نامه و میل تهدید آمیز ارسال نمی کند (مخصوصاً در شرایطی که در بحران داخلی و خارجی بسر می برد) ، بلکه بدان عمل خواهد کرد . همانطوریکه بارها بدان مبادرت ورزیده و خواهد ورزید . اتفاقاً این گونه تهدیدها به ترور و ارسال این گونه نامه ها و پیغام ها علیه جریانات انقلابی و اشخاص ، توسط نیروهای ضد انقلابی انجام می گیرد که در مسند قدرت نیستند و از این حربه تهدید برای ارباب دیگران جهت دست کشیدن از مبارزه ای که در مخالفت با " بینش " آنان است استفاده می کنند .

آقای نوید اخگر شما مطمئن باشید که جمهوری اسلامی هرگز از امثال شما که برایش خوراک تبلیغاتی " ضد امپریالیسم بودن " مهیا میکنید نه تنها ناخرسند نمی گردد که بخواهد آنها را ترور کند ، بلکه در ته دلش هزاران احسن و آفرین نثارشان می گرداند .

چرا که دفاع بی شانیه شما از بلند پایه ترین نماینده انحصارات خون ریز و غارتگر امپریالیست های آمریکائی- صهیونیستی چون خاتم کندولیزا رایس و جناب پرزیدنت بوش آن کلید رمز بقای جمهوری اسلامی است . کلید رمز بقای جانور آدمخواری است که بمنظور جلوگیری از تهاجم توده های رنج و کار به دژ سرمایه ، می کوشد تا با نشان دادن چهره مخوف هیولای خون آشام افسار گسیخته آمریکا در عراق ، ماهیت ضد انسانی خود را پنهان سازد . و اتفاقاً جهت مظلوم نمائی بیش تر در قیاس با این هیولای جهانخوار ، گفته های امثال شما را چاشنی این ترفند عوامفریبانه خویش می گرداند .

همانطور که توضیح داده شد ، شما نه تنها برای رژیم ایران خطری ندارید بلکه بسیار هم مفید می باشید . چرا که با فرشته نشان دادن چهره هیولای خون آشام امپریالیسم آمریکا (خواه آگاهانه و خواه نا آگاهانه) در مسیری گام برمی دارید که چهره خونین دیو آدمخوار رژیم جمهوری اسلامی در اذهان توده ها و یا لاقط در بخشی از آنها کم رنگ تر می گردد .

جناب اخگر همانطوریکه مکانیسم مبارزه طبقاتی را درک نکرده اند و خود را استاد و اسطوره مبارزه علیه رژیم قلمداد می کند ، در دعوی بین دو بینش انقلابی و ضد انقلابی بجای روشن نمودن این امر که در کدام جبهه قرار دارد دائماً (طبق نظرش) منتقدین به " بینش " حامیان توجیه جنایات و غارتگری انحصارات سرمایه داری را به عوامل رژیم حواله می دهد . در حالی که برای یکبارهم که شده به جایگاه خود نمی نگرد که در کجا ایستاده است در جبهه انقلاب و یا در جبهه ضدانقلاب .

ببینیم این ننه من غریب بازی و مظلوم نمایی اخگر بر چه اساسی استوار است . ببینیم در این بازار مکاره با فریاد دزد را بگیر چگونه قصد دارد شاه دزد را فراری دهد و ببینیم گفته های ما در باره

آقای اخگر بر چه اساسی استوار است که ایشان را این چنین برآشفته کرده ، بطوریکه بسبب " مجاهدین " القابی را بما نسبت می دهد که چیزی جز بیان حقیقت نبوده است
کوتوله بی قواره به چه کسانی اتلاق می گردد :

کوتوله بی قواره در فرهنگ سیاسی به اشخاصی اتلاق می گردد که همواره نصف حقیقت را ، آنهم بصورت عامیانه و غیر علمی بیان می کنند و نصف دیگر آنرا که اتفاقاً بخش اصلی و تعیین کننده میباشد انکار کرده و وارونه جلوه می دهند .

نوید اخگر بر بخشی از حقیقت که ماهیت رژیم جمهوری اسلامی ضد بشری است ، تکیه دارد که امری کاملاً درست و مورد توافق ماست . ولی بر بخش دیگر در توضیح ماهیت جنایتکارانه و غارتگرانه انحصارات آمریکایی نه تنها سخنی نمی گوید بلکه آنرا عین دمکراسی می داند و بر آن اصرار اکید می ورزد .

آقای اخگر بدین جهت کوتوله بی قواره نامیده میشود که این ناموزونی را در بخشی که رژیم را یک جریان ضد بشری می داند ، بکار می برد . در آنجائی که فئاتیسم مذهبی و جنگ طلبی رژیم را نه ناشی از مناسبات سرمایه داری که بر اساس مالکیت خصوصی بر وسائل و ابزار تولید استوار است ، بلکه این ماهیت ضد بشری را امری اختصاصی و از ویژه گی های جنگ طلبانه و بنیادگرانه رژیم آخوندی می پندارد .

ایشان با بزرگ کردن این ویژه گی و آنرا عامل اساسی جنگ و کشتار و نا امینی جهان قلمداد کردن در صدد است عامل اصلی این جنگ افروزی و بنیادگرایی مذهبی ، عامل اصلی گسترش جنگ طلبی و بنیادگرایی مذهبی که کسی جز امپریالیست ها و بویژه امپریالیسم آمریکا و صهیونیست های اسرائیلی نمی باشند را زیر جیلکی از محاسبات واقعیات موجود دوران فراری دهد .

مگر بوش چون خمینی و خامنه ای که خود را ولی فقیه در روی زمین می دانند ، خود را نماینده خدا در روی زمین نمی داند ؟

مگر بوش چون خامنه ای که خود را مظهر پاکی و مامور زدودن پلیدی ها می داند ، خود را فرشته نجات قلمداد نمی کند ؟

مگر بوش چون خامنه ای که از مذهب اسلام بمنظور تحمیق توده ها در جهت سرمایه عمل می کند ، خود با توسل به مذهب مسیح به تحمیق توده های رنج و کار نمی پردازد ؟ امر برملا شده ای که در جریان انتخابات اخیر (جدا از تقلوبات دیگر بطوریکه قبل از شمارش آرا ، نام حضرت بوش بعنوان رئیس جمهوری قانونی اعلام گردید) با استفاده از حربه مذهب و ترفند خیمه شب بازی پارلمانی مردم آمریکا را در جهت سود سرمایه انحصارات فریب داد و کسی که از این امر بی خبر است ، خواجه حافظ شیرازی است که در قید حیات نمی باشد .

همانطوریکه طبق گفته خودتان : فلسفه اسلام و مسلمانان قشری در پیشبرد امر کشور گشایی و حمله و هجوم به بلاد کفر مورد تائید هیچ فرد آرایخواه و انقلابی نمی باشد ، فلسفه مذهب کاتولیک بوش خونخوار که بار ها کشورهای جهان را جهت کسب سود بیشتر با بمب های اتمی- ناپالم- شیمیائی بخاک و خون کشیده است ، هرگز نمی تواند و نباید مورد تائید هیچ فرد آرایخواه و انقلابی قرار گیرد .

و جای تعجب دارد چرا شما که خود را علامه دهر می دانید ، قادر به درک این مسئله ساده نمی باشید . در حالی که درستی آن بر هر کودک دبستانی روشن است و نیازی نیست دارای سابقه 30 ساله مبارزاتی بود ، بلکه کافی است از انسانیت و حرمت انسانی دفاع راستین نمود .

آقای نوید اخگر از تضاد های طبقاتی سخن می گوید در حالی که از الفبای آن درک درستی ندارد . ایشان با نقل قولی از خانم رایس ؛ تضاد عمده در جهان را بین آمریکا که در یک طرف قطب آن و آنرا مظهر دمکراسی و قطب بالنده می داند ، با قطب دیگر که جمهوری اسلامی را نماینده بنیادگرایی اسلامی و قطب میرنده می باشد ، توضیح میدهد . و این در حالی است که بر هر کودک دبستانی روشن است که ؛ دو قطب بالنده بزعم شما (آمریکا) و قطب میرنده (جمهوری اسلامی) ، هر دو در

یک قطب میرنده و ضد آزادی و دمکراسی- ضدسازندگی و ضد بشری قرار گرفته و در تضاد کامل با

قطب بالنده که نیروی رنج و کار می باشد یکی از تضاد های دوران تسلط انحصارات امپریالیستی است و نه آن لاطنلاتی را که شما با الهام از قبله آمالتان خانم رایس بلغور می کنید . شگفتا آقای نوید اخگر که خود را شاعر میدانند و ایکاش یک موی شاعران انقلابی چون عشقی ، لاهوتی ، فرخی یزدی ، خسرو گل سرخی ، سعید سلطانپور و ... ، که قلم و زبانشان در خدمت محرومان قرار داشت در بدن این پر مدعا یافت میشد . دریغا که الهام بخش این کوتوله سیاسی سخنان رایس و بوش می باشد و بقول مائو کبیر ؛ قادر نیست فرق بین گربه سفید و سیاه را تشخیص دهد .

دلک سیاسی به چه کسانی گفته می شود :

درباره واژه دلک سیاسی که بر شما گران تمام شده است ، توضیح اینکه ؛ دلک سیاسی عقب افتاده تر از دلک معمولی است . چرا بخاطر اینکه دلک معمولی با هنر خندانن انسانها- با هنر زبردستانه در قالب جوک ، قادر است چند ساعتی دل عده ای را شاد کند و با این عمل اش آنها را چند ساعتی از دنیای سیاه و تباهی ایجاد شده امپریالیستی فارغ گرداند .

ولی دلک سیاسی نه تنها بی بهره از این هنر است بلکه با وارونه کردن حقایق تاریخی موجود ، موجب غم و انده آزادیخواهان را فراهم می گرداند و کوهی از یاس و نا امیدي رابدنبال دارد . گفته ها و نوشتار آقای اخگر نه تنها خنده آور است بلکه جداً گریه آور و غم انگیز نیز می باشد . غم انگیز از این جهت ؛ حیف از 30 سال صرف عمر که در جهت انکار بدیهی ترین حقایق تاریخی بکار رفته و از خدمت به محرومان جامعه سر پیچیده است و چقدر مفید می بود که این گفتار و نوشتار حاصل 30 سال " مبارزه " ، در جهت خندانن و شاد کردن دل انسانها بکار می رفت . در بخش دیگری از مقاله اخیر آقای نوید اخگر چنین نوشته است :

" نماینده این گروه با نامی مجهول در اعلامیه که در تاریخ ... با حمله و هجوم های پاسداری و خارج از هر نوع منش سیاسی و مبارزاتی و با غیض و غضبی ملاگونه .. "

از منظر طرفداران دمکراسی آمریکائی هر کس نام واقعی خود را در بیان دفاع از منافع زحمتکشان اعلام نکند ، مجهول الا هوویه می باشد . باید حتماً چون این بی مایگان نام اصلی همراه با عکس های 4 در 6 را در سایت ها برخ دیگران کشید تا ببازی سیاسی گرفته شوی .

روشن است چرا ما از نام حقیقی خود استفاده نمی کنیم . بچند دلیل عمده . اول اینکه نام حقیقی افراد دلیل بر درست و یا نادرست بودن نظراتشان نمی باشد که مجبور گردیم از نام حقیقی خود استفاده کنیم و چون شما بدنبال نام و مقامی باشیم . دوم اینکه بر خلاف شما که از ترس " تهدید " غالب تهی کرده و با ندبه و زاری دست یاری بسوی سازمان های جهنمی اطلاعات دراز کرده اید ، با درک درست از ماهیت ضد انسانی رژیم- بدون کوچکترین توهم از ماهیت انسان کش رژیم جمهوری اسلامی ، تنها راه نجات انسانها را در سرنگونی قهرآمیز کل رژیم بدست توده های رنج و کار می دانیم و نه چون شما که ؛ فقط خواهان " تغییر رژیم " از آخوندی به رژیم کاملاً دست نشانده امپریالیسم آمریکا می باشید ، بلکه بدون متهم کردن دیگران ، با استفاده از نام مستعار در حفظ خود نهایت کوشش و دقت را بکار می بریم . سوم اینکه با آگاهی کامل از ماهیت امپریالیست ها و بویژه امپریالیسم امریکا- بدون کوچک ترین توهمی از ماهیت جنایتکارانه آنها نه چون شما که آنها را مهد " تمدن و مکرسی " می دانید و با استفاده از نام حقیقی همراه با عکس بدنبال الغاء این امر در توده ها هستید ، بلکه با استفاده از نام مستعار ولی شفاف و شجاعانه به افشای ماهیت کریه این هیولای جهان خوار می باشیم (با توجه با این امر که روی سخن با برخی از نویسندگانی که بدلالی نام اصلی آنها آشکار کشت است ، نمی باشد) .

نکته دیگری که شما را از خشم و غضب ما بسیار پریشان کرد و شما از آن بعنوان غضبی ملاگونه نام می برید ، بیان خشم میلیونها توده های فلسطینی است که 40 ساله آزرگار بطرز وحشیانه توسط صهیونیست های نژاد پرست ، فاشستی- مذهبی اسرائیل سرکوب می گردند ، بیان خشم میلیونها

بمباران شده گان ؛ هیروشیما ای- ناکازاکی ای ، ویتنامی، افغانی ، عراقی و .. است که شما و امثالهم سرکوب کننده گان این بمباران شده گان را ارج می نهید و بدنبال خزیدن به زیر عبا آنان روانید . آقای نوید اخگر از خلع سلاح اتمی رژیم ایران دم می زند که ذره ای صداقت در استدلالش یافت نمی گردد . زمانی می تواند شعار خلع سلاح اتمی از ایران و یا هر کشور دیگری از صداقت برخوردار باشد که هم زمان خواهان خلع سلاح اتمی تمام کشور های دارنده سلاحهای اتمی باشیم و نه بسبب " مجاهدین" زیر عبا ی بوش خزیده از امپریالیسم آمریکا و صهیونیست های اسرائیلی که خود دارندگان هزاران سلاحهای اتمی- هیدروژنی- خوشه ای- شیمیایی هستند ، بخواهیم به خلع سلاح اتمی کره شمالی و یا ایران پردازد !

در واقع آقای اخگر با تکرار تکه بریده های " مجاهدین " سعی دارد با کشیدن رژیم ایران بالاتر از قد و اندازه امپریالیسم آمریکا ، جایگزینی گانکستر با دزد را، عین دمکراسی غالب کند . آخر مگر می شود بر اقیانوسی از جنایات بی پایان امپریالیسم آمریکا که فقط در یک قلم در دوران اشغال عراق " تنها " بیش از 100 هزار از کودکان عراقی بعلت گلوله های غنی شده به اورانیوم در اثر بیماری سرطان به کام مرگ کشیده شدند چشم بست و سخن نگفت و خود را آزیخواه و انقلابی دانست . شوخی نیست 100 هزار نفر تا کنون ، در حالی که طبق گزارش استادان دانشگاه بغداد نه تنها تا کنون بیش از 100 هزار تن کشته شدند بلکه منطقه خلیج فارس در اثر اشغال کشور عراق و بمباران بربرمنشانه اشغالگران ، به اورانیوم آلوده شده است و جان صدها هزار کودک در معرض خطر جدی قرار دارد . آلودگی بحدی است که جهت رفع آن هزاران سال زمان لازم دارد . آیا آقای نوید اخگر هیچ آگاهی که از چه درنده گان خون آشامی خواهان " برقراری صلح " در منطقه و جهان هستید و خلع سلاحهای اتمی را از آنان درخواست دارید؟! از هیولای درنده پست فطرتی که منطقه را برای هزاران سال آلوده کرده و جان صدها هزار کودک نشگفته را برای حداقل صدها سال در معرض مرگ حتمی قرار داده است . خواهان دمکراسی بودن از چنین وحشیان درنده خوی نه تنها ناشی از خطای معرفتی است (البته اگر مزدور نباشند) بلکه انکار این حقایق عریان ، همدستی با جنایتکاران و جنایت علیه بشریت محسوب می گردد .

در واقع مفهوم ماهیت چرک و خون ، سیاهی و تباهی هیولای انحصارات امپریالیستی آمریکا این سردسته آدمکشان و ناقص حقوقی میلیارد انسان در جهان- بزرگترین تروریست تاریخ بشری- عامل اصلی رشد و گسترش فئاتیسم مذهبی و جنگ طلبی را باید در این برآیند نابود کننده نه تنها فقط انسانها بلکه نابود کننده تمامی موجودات زنده دانست . این هیولای جهان خوار با بمباران بمب های آغشته به اورانیوم ضعیف شده ای که کمتر از یک ثانیه با ایجاد حرارت 2 هزار سانتیگراد قادر است همه چیز را از بین ببرد ، سرنوشت مرگ را برای میلیونها انسان پر امید در منطقه برای هزاران سال رقم زده است .

آیا آقای اخگر برای شما مفهوم است که این هیولای ضد بشری با جنایات بی پایان اش چه دنیای جهنمی را در منطقه برای مردم بوجود آورده است؟! آلودگی ناشی از اورنیومی که می تواند از طریق خزه های آبی به راحتی به کشورهای ساحلی منتقل گردد و چقدر بیشرمانه و وقیحانه می باشد وقتی آقای نوید اخگر با بی توجه ای خاصی باین جنایات امپریالیستی می گوید :

" آنکه با شعارهای ضد آمریکانی و ضد امپریالیستی به ادامه و روند سرازیر شدن منافع ملی مردم ایران به جیب بشاراسد و حزب اله لبنان برخاسته است مفتضح تر از آن است که بخواهد دم خروس وزرات آقای یونسی را در این امور ببوشاند "

ملاحظه می گردد که چه ناجوانمردانه و پست فطرتانه علیرغم برملا شدن جنایات امپریالیسم آمریکا که جان میلیونها کودک را برای هزاران سال در معرض خطر صد در صد قرار داده است ، آقای نوید اخگر به شیوه فرهنگ امپریالیستی که جان انسانها برایشان بی اهمیت می باشد ، با دفاع بی شائبه از این هیولای خون آشام تاریخ ، ما را به وزارت یونسی نسبت می دهد . در قاموس دارندگان گان این " بینش " بغایت ارتجاعی ، افشای این حقایق جنایتکارانه امپریالیستی

همکاری با وزارت اطلاعات یونسی معنی میدهد .
در قاموس این سینه چاکان آمریکائی : افشای جنایات امپریالیستها که تا کنون فقط در حوادث عراق ؛ با تحریم اقتصادی جان حدود یک میلیون 800 هزار نفر را گرفتند ، در اثر بمباران های وحشیانه عاری از هر گونه وجدان بشری (براستی امپریالیست ها وجدان هم دارند) بیش از 150 هزار تن قتل عام شدند ، در اثر بیماری سرطان ناشی از پخش اورانیوم بیش از 100 هزار نفر کودکان معصوم بکام مرگ کشیده شده اند و جان صدها هزار تن در معرض جدی قرار دارد ، در اثر بمباران های بربرمنشانه آمریکائی- انگلیسی که نابودی هستی و نیستی یک کشور را در برداشت و آنرا برای صدها سال به عهده هجر فرستاد ، در اثر اسارت خلقها و شکنجه های پست فطرنه تر از دوران قرون وسطی که حتا نمایندگان انحصارات آمریکائی آنرا انکار نمی کنند و افشای صدها جنایات دیگر این هیولای انسان کش ، همکاری با آخوند یونسی معنی می دهد .

آخر مگر می شود بر خود نام نویسنده و شاعر (نویسنده و شاعری که می باید با قلم و زبانش در جهت تغییر پیرامون خود کوشا باشد) گذارد ، اقیانوسی از جنایات و غارتگری امپریالیسم آمریکا و صهیونیست های اسرانیلی را شاهد بود ولی باز وقیحانه توقع آزادی و دمکراسی از آنها داشت؟ مگر می شود از امپریالیستی که تاکنون صدها کودتای خونین نظامی- صدها توطئه گری و دخالت در امور داخلی دیگر کشورها حاصل کارش می باشد ، از امپریالیستی که تاکنون بارها با بمباران های وحشیانه میلیونها مردم ممالک جهان را بخاک و خون کشیده است ، از امپریالیستی که با تجهیز ارتش فاشیسم هیتلری مرگ 30 میلیون انسان را سبب گردیده است ، از امپریالیستی که بیش از 100 میلیون نفر را قتل عام نموده خواست جلوی کشورهایی که در حال دستیابی به دانش تکنولوژی هسته ای می باشند را بگیرد . و یا از چنین هیولایی خواست همان بلایی را بر سر مردم ایران آورد که بر سر مردم عراق آورده است ؟ !

بی دلیل نیست آقای اخگر مسئله تحریم اقتصادی را پیش می کشد که ابتدا چند میلیونی از کمبود مواد غذایی و بهداشتی و دارویی چون مردم عراق بکام مرگ کشیده شوند و سپس با عملیات " پیشگیرانه " نظامی به بهانه نابودی سلاحهای هسته ای تکلیف مردم ایران را چون عراق یکسره کند . ولی زهی خیال باطل ! اگر امپریالیسم آمریکا با ماشین غول پیکر آدمکشی اش در باتلاق عراق چون خر رحل گیر کرده است ، مطمئناً از چنگال مردم ایران جان سالم بدر نخواهد برد .
آیا دستیابی به تکنولوژی هسته ای جرم محسوب می گردد ؟

دستیابی به انرژی هسته ای علمی است اشتناک ناپذیر که سرانجام بشریت برای تهیه نیاز های ضروری خویش ناگزیر می گردد آن مسیر را طی کند .
چرا که انرژی فسیلی حاصل از منابع نفتی امری ابدی و جاودانه نمی باشد . بعنوان مثال کشور چین را در نظر آوریم که بخاطر موقعیت جغرافیایی فاقد دستیابی به این منابع انرژی نفتی است ، آیا دستیابی به انرژی هسته ای برای چین که دومین تولید کننده اقتصادی فرآورده های تولیدی مورد نیاز انسانی است امری ضد خلقی می باشد ؟
آیا دولت آمریکا که خود دارای بزرگترین منابع نفتی است و درچاههای نفت اش را برای روزهای مبادا بسته نگاهداشته که آنرا بقیمت دوبرابر بفروش رساند و دارای 104 نیروگاههای هسته ای است محق می باشد با قدرمنشی گستاخانه از دستیابی دیگر کشورها بدانست هسته ای جلوگیری بعمل آورد ؟

نباید در دام توطئه های امپریالیسم ه ا و بویژه توطئه های امپریالیسم آمریکا قرار گرفت . آنان در حالی که خود صدها نیروگاههای هسته ای و هزاران سلاحهای اتمی- خوشه ای- شیمیایی و .. در زرادخانه هایشان انبار کرده اند ، درصدد هستند بمنظور انحصار آن برای تسلط بر جهان دیگران را به بهانه برقراری " صلح جهانی " تابع خویش گردانند . و این در حالی است که ما آگاهیم امپریالیسم آمریکا استفاده از این سلاح مرکبار را جهت تسلیم بشریت به خواسته های آزمندانانه غارتگرانش در هیروشیما و ناکازاکی بکار برد و صدها هزار تن انسان های بی گناه را بخاک و خون کشید .

انحصار صنایع پیشرفته و از جمله تکنولوژی هسته ای امری است که همواره سرمایه داران و انحصارات امپریالیستی برای ارباب و تسلیم بشریت از آن استفاده جنایتکارانه نموده اند . اصولاً اساس امپراطوری حکومت های ظالمانه بر دریایی از قتل عام میلیونها انسانهای بیگناه و در به بردگی کشیدن میلیونها انسانهای پر امید استوار بوده و می باشد . ما کمونیست ها و دیگر آزادیخواهان راستین که خواهان آزادی و دموکراسی و استقرار عدالت اجتماعی می باشیم نباید خود را مرعوب شانتاژهای آنان قرار دهیم .

باید با تمام قوا علیه انحصارگری در صنایع و تکنولوژی که امپریالیست ها می خواهند از آن بمتابه حربه ای جهت تسلط بر بشریت زحمتکش سوء استفاده کنند به مبارزه پرداخت و دستیابی بدانها هسته ای را حق طبیعی و مسلم هر کشوری دانست .

آقای اخگر در بخشی دیگر از مقاله اش چنین می گوید :

" رژیم و کارگزارانش اپوزیسیون را در استفاده از سلاح دیپلماتیک خارجی بر علیه نظام به جنگ طلبی متهم می کنند و رژیم جنگ طلب و فنانیزم مذهبی را غسل تمحید داده و بر ادامه زدن مارک تروریستی بر اپوزیسیون تاکید می ورزد . "

این استاد دفاع از منافع امپریالیسم آمریکا ، سعی دارد ؛ در واقع همگامی و همزیانی در چارچوب توطنه های طراحان انحصارات امپریالیستی (با وعده در صورت بقدرت رسیدن خود را مقید به احکام و قوانین انحصارات غارتگر امپریالیستی دانستن و هم اکنون در عافیت خارج نشینی از میلیون ها دلار اختصاصی بهره می برند) را ، زبردستانه سلاح دیپلماتیک خارجی جا بزند . این علامه کبیر دفاع از منافع آمریکا ، می خواهد با هنرش در دیگران الغاء کند که ؛ بوش که خود را نماینده خدا در روی زمین می داند و از حربه مذهب مسیح جهت تحمیق توده ها استفاده می کند نه تنها فنانیزم مذهبی نیست ، بلکه برعکس قهرمان آزادی و فرشته نجات جان بشری می باشد . این شاعر و نویسنده که قلم و زبانش جز در دفاع از منافع آمریکا نمی چرخد ، وارونه گرایانه می خواهد ؛ آزادیخواهان و انقلابیون راستین ؛ که هم بر علیه رژیم فنانیزم و جنگ طلب و فاشستی مذهبی جمهوری اسلامی و هم علیه فنانیزم و جنگ طلبی انحصارات امپریالیستی بسرکردگی آمریکا مبارزه می کنند ، غسل دهندگان فنانیزم مذهبی جلوه دهد . در حالی که در روی دیگر سکه ، همکاری کوتوله های سیاسی و بریدگان از خلق که عملاً با درنده ترین دشمنان بشری هم رکاب شده اند را ، حرارت مطلوب جا بزند .

در جای دیگر آقای اخگر چنین می گوید :

" رژیم و کارگزارانش اپوزیسیون را متهم به حمایت از حمله نظامی غرب به ایران می کند در صورتی که اپوزیسیون از دیپلماسی غرب بعنوان رساندن گرما و حرارت مشروع به درون تخم مرغ برای رسیدن به جوجه بعنوان یک پدیده خارجی و تضاد فرعی استفاده می کند . "

باز ملاحظه می گردد در این گفتار جناب وکیل مدافه منافع آمریکا در عین قمپوز درکردن روشنفکرانه که روشن نمی کند اپوزیسیون رژیم چه طیفی را دربر می گیرد ، می خواهد؛ همکاری با کارگزاران امپریالیستی در بررسی طرح تجاوز به ایران را " دیپلماسی و حرارت " مشروع جا بزند تا چهره کریه فرزند متولد شده حاصل همبستری با آمریکا را در پرده مستور قرار دهد .

آقای اخگر باید بدانند (که می داند ولی ...) که لازمه ایزوله نشدن اپوزیسیون ضد رژیم این نیست که فقط به شعار مرگ بر رژیم اکتفا کرد و حاضر بود با غدار ترین دشمن بشریت همکاری نمود ، بلکه بر عکس شرط ایزوله نشدن اپوزیسیون ضد رژیم در مبارزه راستینی قرار دارد که مبارزه قاطع و شفاف علیه رژیم آدمخوار جمهوری اسلامی ایران را در پیوند با مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی قرار دهد .

شما آقای اخگر از شعار ارتباط استقلال طلبانه و آزادیخواهانه با تمام کشورهای جهان بدون دخالت در امور داخلی یکدیگر سخن می رانید که امر درستی است . ولی جوهر کلام عوامفریبانه شما در جایی است که قصد دارید دخالت تاریخاً آشکار آمریکا در امور داخلی دیگر ممالک را ، " استقلال

طلبانه" جا بزنیید . یعنی " استعمار " را جای " استقلال " بخورد مردم دهید . در حالی که حتی یک نمونه تاریخی در اثبات گفتارتان نمی توانید ارائه دهید .

شما از خواست بر حق میلیارد ها مردم جهان سخن می رانید که در طول صدها سال از طرف امپراطوری سرمایه و امپریالیست ها با وحشیانه ترین شکل در خون در غلتیده است .

شما وقتی از عدم دخالت آمریکا در امور داخلی دیگران سخن می رانید به انکار امری دست می زنید که روزانه توسط امپریالیسم آمریکا و صهیونیست های اسرائیلی با قلدرمنشانه ترین وجهی نقض می گردد و بیانگر این است که گویا جناب عالی در کره زمین زندگی نمی کنید و از کره دیگری آمده اید که چنین پرت و پلا می گویند .

پیشنهاد ما بشما این است ؛ بجای یک روز در میان مقاله نوشتن و بدون منطق و درک از حقایق سخن گفتن ، کمی در مورد پیرامون دنیای اطراف خویش به مطالعه بپردازید- حداقل کمی درباره ماهیت دولت مهد " آزادی و دمکراسی " آمریکایی خویش مطالعه کنید و احتیاج هم نیست راه دور بروید ، کافی است فقط دوران حکومت بوش عزیزتان را از نگاه مردم آمریکا مورد مطالعه قرار دهید و مطمئن باشید (البته اگر مزدور نباشید) حتماً با ما هم عقیده خواهید شد که : تاریخ بشری تاکنون رژیم وحشی تر ، درنده خو تر ، جنایتکارتر ، خونخوار تر حتی از هیتلر بربر تر ، چون امپریالیسم آمریکا بخود ندیده است .

قصد ندارم بخاطر طولانی شدن مطلب تمامی بند بند گفته های اخگر را که چیزی جز دفاع بی چون و چرا از مناقع امپریالیسم آمریکا و صهیونیست های اسرائیلی نمی باشد به نقد بکشم .
جداً حیف از وقت و انرژی که بخواهد در پاسخ اراجیف این حضرات تلف گردد ، گرچه افشای ماهیت چرک و خون امپریالیسم که چنین دنیای سیاهی و تباهی را برای بشریت ترسیم کرده اند از وظایف حمتمی ما می باشد .

آقای نوید اخگر تنها یک راه برای نشان دادن مبارزه صادقانه شما علیه رژیم جمهوری جهل و ترور سرمایه دارانه اسلامی باقی نمی ماند و آن اینکه ؛ در حله نخست تمامی جنایات بی پایان امپریالیسم آمریکا و همچنین جنایات غیر قابل توصیف صهیونیست های اسرائیلی علیه خلق فلسطین را بطور شفاف و روشن محکوم کنید تا نیرو های انقلابی شما و امثال شما را باور کنند .
انتخاب راه با خود شماست که نشان دهید در جبهه محرومان قرار دارید و یا در جبهه ستمگران.
نشان دهی لیاقت شاعر بودن در مفهوم این شعر را :

بشکنی ای قلم ای دست اگر پیچی از خدمت محرومان سر

داری و یا هنوز دل کندن از دمکراسی آمریکایی مشکل کار می باشد .

در پایان باید گفته شود نه تنها جریانات سیاسی انقلابی برای گفتار و نوشتار آقای نوید اخگر ارزشی قائل نیستند که پاسخی بدان دهند ، بلکه مردم ایران و سراسر جهان که آقای اخگر به زبان های مختلف هجویات اش را برایشان ارسال می دارد نیز تره هم برای وی خرد نمی کنند .

بهمن ادیب 16/05/2005